

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: Y۶SH۱۹A۴۶۷ ISSN-P: ۲۵۳۸-۳۷۰۱

تبیین نقش پلیس در تحقق حقوق شهروندی در پرتو آموزه های اسلامی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۸)

پویا شیرانی^۱

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی واحد عوم و تحقیقات تهران، مدرس دانشگاه

جلیل شارجبی گرگابی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان

چکیده

پلیس در جایگاه ضابط دادگستری به سبب تعامل مستقیم و مستمر با شهروندان، نقشی اساسی در چرخه عدالت کیفری دارد. حقوق شهروندی از جمله اموری است که کوچکترین مسامحه نسبت به آن در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی موجبات تضییع آزادی های اساسی و در مواردی زمینه نقض حقوق او را فراهم می سازد. شهروندان از پلیس انتظار دارند در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، تلاش خود را تنها منحصر به جمع آوری دلایل علیه او نکنند و بکوشد در کمال بی طرفی در جهت اثبات حقیقت دلایل له و علیه را جمع آوری نماید. هدف از این تحقیق تبیین نقش و جایگاه پلیس در رعایت حقوق شهروندی است که بر آموزه های اسلامی است. حقوق شهروندی از مباحث مهم حقوقی و از شاخه های اصلی حقوق عمومی به حساب می آید که از روابط بنیادین میان مردم و حکومت بحث می کند. حقوق شهروندی در نگاه غربی بیشتر ناظر به حقوق مشارکت شهروندان در اداره امور کشور است و ابعاد متفاوت آن را در بر می گیرد. معنا و مفهوم اصلی حقوق شهروندی، رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان ها در بخش کلان جامعه است، اما حقوق شهروندی از نظر قرآن و آموزه های اسلامی، برخلاف مکتب حقوق طبیعی که ملاک قوانین و قواعد حقوق شهروندی را تنها واقعیات عینی می داند و همچنین برخلاف مکتب حقوق عقلی محض که تنها دستورات عقل عملی را

^۱ نویسنده مسئول

ملاک حقوق و قانون قرار می‌دهد و نیز برخلاف مکتب حقوق پوزیتیویستی که قانون و حقوق شهروندی را دارای ماهیتی صرفاً قراردادی و اعتباری می‌داند، ماهیتی دو رویه و مزدوج دارد؛ یعنی دارای ماهیتی اعتباری- واقعی است؛ زیرا از یک طرف متعلق جعل و اراده خداوند است و از سویی، اراده تشریح الهی همسو با اراده تکوینی او است و در نتیجه قوانین اسلام در تبیین حقوق شهروندی مبتنی بر واقعیات و مصالح و مفاسد است.

واژگان کلیدی: پلیس، حقوق عامه، آموزه‌های اسلام، حقوق شهروندی، عدالت کیفری

مقدمه

پلیس در جایگاه ضابط دادگستری به سبب تعامل مستمر و مستقیم با شهروندان، نقشی اساسی در چرخه عدالت کیفری دارد. حفظ امنیت و رعایت حقوق شهروندان پس از رفع مایحتاج اولیه انسانی در درجه نخست اهمیت قرار دارد (حسینی، ۱۳۸۵). حقوق شهروندی متهم از جمله اموری است که کوچک‌ترین مسامحه نسبت به آن در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی موجبات تضییع آزادی‌های اساسی و در مواردی زمینه نقض حقوق او را فراهم می‌سازد. شهروندان از پلیس انتظار دارند در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، تلاش خود را تنها منحصر به جمع آوری دلایل علیه او نکنند و بکوشد در کمال بی طرفی در جهت اثبات حقیقت دلایل له و علیه متهم را جمع آوری نماید (وحیدی، ۱۳۸۳، ص ۲۲). این موضوع برای اثبات حقیقت جز در پرتو حفظ و رعایت حقوق شهروندی متهم توسط پلیس شهروندمدار میسر نخواهد شد. حقوق شهروندی متهم در قوانین اساسی و عادی مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است، لیکن در برخی از موارد وظایف پلیس در مرحله تحقیقات مقدماتی تبیین نشده است که البته در لایحه جدید با ذکر مواردی از قبیل اعلام حقوق شهروندی متهم توسط پلیس و مراجع ذی ربط، وظایف آنان به طور شفاف تری مشخص شده است. در این راستا پیشنهادهایی از قبیل ایجاد فرهنگ ترویج حقوق شهروندی، تعامل هر چه بیشتر پلیس و دستگاه قضایی، توسعه نظارت‌های منظم بر عملکرد پلیس در رعایت حقوق شهروندی متهم و ارتقای

دانش پلیسی در این زمینه ارائه شده است. هر چند که پیشگیری از جرم از اهداف اصلی نیروی پلیس است لیکن این وظیفه تا حد زیادی در اولویت فرعی و بعد از روش‌ها و تکنیک‌های واکنشی مربوط به اعمال قانون قرار گرفته است. اما نه سیستم‌های مدیریت اداری و نه توسعه ابزارهای فنی نمی‌تواند با افزایش نرخ جرائم در جوامع غربی پس از دهه ۱۹۶۰ مقابله کند. بعلاوه، درصد موارد کشف جرم کاهش پیدا کرده در حالی که ترس عمومی از جرم، افزایش پیدا کرده است. پیوستگی تمام این عناصر منجر به فاصله گرفتن تدریجی پلیس از جامعه خود شده است (درویشی، ۱۳۹۶، ص ۶۶) با شکست در برابر جرم، کاهش بودجه در دهه ۱۹۷۰ و ناتوانی در برآوردن انتظارات عمومی، ادارات پلیس آغاز به کاوش رویکردهای جدید نمودند. برخی از راه‌حل‌های معین شده عبارت‌اند از: رویکرد مسئله محوری به امور پلیس، پلیس محله‌ها و گشت‌های پیاده. حتی با اینکه ابزارهای جدید اطلاع رسانی توسعه پیدا کرده است، لیکن نیروهای پلیس تلاش به افقی کردن سلسله مراتب و تمرکز زدایی از فرآیند تصمیم‌گیری نیز نموده‌اند (بیرانوند، ۱۳۸۹، ص ۹۶).

گذری در آموزه‌های اسلامی و تعالیم رسیده از قرآن و سنت معصومین (ع)، توجه این دین به مقوله‌ی پیشگیری - اعم از پیشگیری فردمدار (اجتماعی) و پیشگیری موقعیت مدار (وضعی) را کاملاً نمایان می‌سازد، به گونه‌ای که حتی می‌توان ادعا نمود که عمده‌ی آموزه‌های اخلاقی، اجتماعی، حتی عبادی این دین، پیشگیری محور بوده و به طور مستقیم و بی واسطه یا به‌طور غیرمستقیم، تدابیری مؤثر جهت اصلاح رفتار و عملکرد انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی و دوری از هرگونه انحراف و کجروی را ارائه می‌کند.

اصولاً دین مبین اسلام به پیشگیری بیش از اصلاح اهتمام دارد و به همین دلیل قبل از هر چیز به عوامل به وجود آورنده و زمینه‌های گناه و جرم توجه کرده و برای مقابله آن‌ها با واقع بینی تمام چاره‌اندیشی نموده است. شاید بهترین و پربارترین بخش از تأکیدات اسلام روی همین بعد باشد. پیشگیری از جرم براساس آموزه‌های اسلامی یک جریان دو طرفه بوده که هم پلیس و هم مردم، در آن نقش سازنده و تاثیرگذاری دارند. در این میان توجه ویژه مدیران و کارکنان ناجا به آموزه‌های اسلامی و عوامل پیشگیرانه از جرم از قبیل: «اعتقاد به توحید، اعتقاد به معاد، نقش و تأثیر نماز، امر به معروف و نهی از منکر، انفاق و احسان، حجاب و عفاف، نظارت و واپایش، تعلیم و آموزش عمومی، پیشگیری از طریق خانواده، محبت و مهرورزی، معاشرت با نیکان و صالحان، اجرای روش الگو دهی و الگو گیری،

ترویج فرهنگ صبر، بردباری و شکرگزاری، فرهنگ قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر و بالاخره تأثیر توبه» و عملیاتی و اجرایی کردن آن‌ها در نظام تعلیم و تربیت فردی و سازمانی می‌تواند در پیشگیری از تخلف و جرم، مفید و اثربخش باشد. با نگاهی به آموزه‌های دینی می‌بینیم که آن چه امروزه از آن به عنوان پیشگیری از جرم یاد می‌شود در تار و پود پیام‌های آسمانی و رهنمودهای انبیاء و اولیا الهی بوده است و بالاتر از آن از آنجا که رسالت این رهایی انسان از تباهی و گروهی می‌باشد لذا پیشوایان دینی برای تحقیق آن از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند و قبل از مبارزه با معلول با علت و زمینه گناه و جرم مبارزه می‌کردند و بر این اساس پیشگیری از انحراف در صور وظایف دینی قرار داشته است. البته در مکاتب الهی شیوه‌های تربیتی علاوه بر مجازات‌ها مورد تأکید بوده است. از طرف دیگر علم جرم شناسی نیز که موضوع آن پرداختن به جرم و راههای پیشگیری از آن است نیز توجه شایانی به این مسأله داشته است. حقوق شهروندی در برگیرنده حقوق اجتماعی - سیاسی و مدنی شهروندان در مقابل دولت است (نادری، ۱۳۹۰). این حقوق با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی در جوامع مختلف متفاوت است. آنچه مسلم است حقوق و آزادی‌های عمومی افراد در هر جامعه ای باید بنحوی که درخور شخصیت و کرامت ذاتی انسان است از سوی دیگر شهروندان و حاکمیت، مورد احترام قرار گیرد و از هرگونه تعدی و خدشه وارد کردن به آن ممانعت به عمل آید. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی دیگر همچون قانون حقوق شهروندی بر ضرورت رعایت حقوق شهروندان در جامعه دلالت دارد که این امر مبین این است که حقوق شهر وندی در ایران مورد توجه قرار گرفته است. اما قانون مذکور (آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروند) اصلاحات و تجدید نظر دقیقی را می‌طلبد. چرا که به طور خاص حقوق شهروند را در جایگاه متهم مورد توجه قرار داده است و اقدامات دستگاه‌های قضایی و انتظامی را در این موارد ملحوظ نظر داشته است. درحالی که لفظ قانون جامعیت آن را در همه جنبه‌ها می‌طلبد. برای رسیدن به امنیت پایدار، دولت و مردم هرکدام به نسبتی باید نقش ایفا کنند. تحقق امنیت اجتماعی تنها با اتکای دولت و نیروهای رسمی جامعه صورت نمی‌گیرد بلکه امنیت اجتماعی به اتکای دیگر بسترهای اجتماعی نیز هست. پس امنیت اجتماعی فارغ از ایدئولوژی و نیروی مسلط در بستری از یکسان نگرانی جریان می‌یابد. اما اینکه پلیس چگونه می‌تواند امنیت را در جامعه ایجاد و در کنار آن حقوق شهروندان را نیز رعایت کند مقوله‌ای است که امروزه بعنوان عملکرد جامعه مداری یا جامعه محوری پلیس تعبیر می‌شود. ویژگی‌ها و شاخص‌های پلیس جامعه محور نقطه مقابل ویژگی‌های تهدید محور است. در

تهدید محوری مقابله با جرم اصل و شیوه کار پلیس است و ابزار پلیس برای تأمین امنیت است. در حالیکه پلیس جامع محور حل مسئله و تقدم پیشگیری بر عملکرد واکنشی پس از جرم ابثنا داشته و به مشارکت فعالانه مردم توجه دارد. تشکیل مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ گامی در جهت افزایش تحرک و سرعت عمل در بدنه اجرایی ناجا و بمنظور پاسخ به نیازهای پلیسی مردم، بود یکی از کار کردهای جامعه محوری پلیس در جهت پاسخگویی پلیس و دفاع از جان و مال و ناموس مردم و حمایت از حقوق شهروندان به شمار می‌آید. گام دیگر ناجا در جهت افزایش منزلت اجتماعی و حفظ حقوق شهروندان برداشته طرح نظارت همگانی بوده است که می‌توان به عنوان یکی از راهکارهای تحقق شعار پلیس جامعه محور محسوب کرد (کشفی، ۱۳۸۷). این طرح در اجرای اصل ۸ قانون اساسی که نظارت بر دستگاه‌های دولتی را حق مردم دانسته است و همچنین براساس رویکرد اجتماعی پلیس و لزوم تعامل و نظارت آحاد شهروندان بر عملکرد پلیس و تحقق شعار پلیس پاسخگو به اجرا درآمده است و همچنین کارکرد دیگر نیروی انتظامی که رویکرد جامعه محور داشته است ایجاد پلیس زن بوده که این پلیس با حمایت از امنیت روحی و روانی زنان و کودکان آسیب دیده، در جهت ارائه خدمات انتظامی و دفاع از آزادی‌ها و حقوق شهروندی ایشان در مقابل متجاوزان می‌باشد. همچنین ایجاد پلیس پیشگیری با هدف تخصصی نمودن واحدهای پلیس افق جدیدی از سازمان پلیس را نشان می‌دهد که در راستای احیاء حقوق شهروندی گام برمی‌دارد.

بخش اول: پیشینه تحقیق

پژوهش در مباحث پیشگیری به طور کلی، چند سالی است که در کشور ما، به صورت جدی مورد توجه اساتید دانشگاه، صاحب نظران و محققان مرتبط با جرم و انحراف قرار گرفته است. اما متأسفانه هنوز موضوع بحث ما، به صورت جامع و کامل مورد تحقیق واقع نشده است. تنها تحقیقات انگشت شماری در این زمینه به نگارش در آمده است. لذا در این مقاله علمی سعی می‌شود، نقش پلیس در پیشگیری از جرم و رعایت حقوق شهروندی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی مورد بررسی قرار گیرد.

درویشی، عباس در سال ۱۳۹۶ مقاله ای تحت عنوان «نقش پلیس در پیشگیری از جرائم» نوشت که به بررسی روش‌های پیشگیری پرداخته است و نتایج حاکی از آن بوده است که: در کشورهای مختلف اختیارات پلیس دارای محدودیت‌های معین و گسترده تر از نهاد مشابه آن در سایر کشورها می‌باشد

همین امر منجر به آن شده تا تفاسیر متعددی از مفهوم پلیس ارائه شده و گاه بتوان آن را به مفهوم مجموعه سازمانی مقابله و مبارزه با جرائم محسوب داشت که در این صورت شامل سازمان قضایی و دادگستری نیز خواهد بود.

کشفی، سیدسعید در سال ۱۳۸۷ مقاله ای تحت عنوان «نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان» نوشت که به بررسی قوانین و مقررات بین المللی به نقش پلیس متخصص در دادرسی کودکان و نوجوانان پرداخته است و نتایج حاصل این تحقیق درباره نقش پلیس در مرحله تعقیب و تحقیق و برخورد متفاوت پلیس با کودکان و بزهکاران است و طرز کار پلیس، در مرحله صدور و اجرا و پس از اجرای حکم این است که با حضور خود در هر یک از این مراحل و ارائه توصیه‌های لازم به مقام قضایی نقش مهمی در اجرای دادرسی عادلانه داشته باشد. ضرورت تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان بزهکار از نتایج این تحقیق به شمار می‌رود.

بیرانوند، رضا و همکاران در سال ۱۳۸۹ مقاله ای تحت عنوان «وظایف پلیس شهروندمدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان» نوشت که به بررسی رخی از قوانین شکلی و ماهوی حوزه حقوق شهروندی متهمان در ارتباط با وظایف پلیس، لایحه جدید آیین دادرسی کیفری پرداخته است و نتایج حاکی از آن بوده است که: حقوق شهروندی متهم در قوانین اساسی و عادی مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است، لیکن در برخی از موارد وظایف پلیس در مرحله تحقیقات مقدماتی تبیین نشده است که البته در لایحه جدید با ذکر مواردی از قبیل اعلام حقوق شهروندی متهم توسط پلیس و مراجع ذی ربط، وظایف آنان به طور شفاف تری مشخص شده است.

نادری، محمد در سال ۱۳۹۰ مقاله ای تحت عنوان «جامعه اسلامی و نقش پلیس در تحقق امنیت آن» نوشت که به بررسی برقراری امنیت از سوی پلیس پرداخته است و نتایج حاکی از آن بوده است که: می‌توان گفت پلیس (البته به معنای عام) قشری است که نقش اساسی و مهمی را در برقراری و حفظ و نگهداری امنیت ایفا می‌کند و بر همین اساس راه‌هایی را باید در پیش بگیرد که بتواند به این هدف مهم دست یابد.

بخش دوم: اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق در مورد موضوع نقش پلیس در پیشگیری از جرم، با تاکید بر نقش آموزه‌های اسلامی و تحقق حقوق شهروندی از آنجا ناشی می‌شود که پلیس به عنوان متولی این است در جامعه نقش بسیار کلیدی و مهم در ایجاد امنیت پایدار و پیشگیری از وقوع جرائم دارد و آیا صرف حضور پلیس بدون کمک گرفتن از عواملی دیگر نظیر مشارکت اجتماعی مردم می‌تواند کارساز باشد مسلماً پاسخ به سؤال منفی است لذا باید مفاهیم امنیت و پیشگیری مشارکت مردم به صورت صحیح تبیین شود تا پلیس با گام گذاری صحیح در مسیر بتواند به این مهم دست یابد که این خود تلاش محققین را جهت روشن نمودن مفاهیم و تعاریف امنیت و پیشگیری فعال مردم را در این امر می‌طلبد.

بخش سوم: کاربردهای متصور از تحقیق

در توصیف علمی و عملی و تحلیل محتوا براساس قواعد منطقی به موضوع پژوهش پرداخته تا نتیجتاً به بهترین نظرها رسیده و ابهامات موجود و جایگاه واقعی نقش پلیس در پیشگیری از جرم و رعایت حقوق شهروندی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی شناخته و ارائه نماییم. همچنین نگارنده در صدد است که طرز ارائه مطالب تحقیق ضمن این که از جنبه‌های نظری برخوردار باشد، جنبه‌های عملی و کاربردی نیز داشته باشد.

بند اول: فرضیه‌ها

به نظر می‌رسد پیشگیری از وقوع جرم از منظر آموزه‌های قرآنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به طوری که آموزه‌های تربیتی، اخلاقی و شرعی قرآن، در برگیرنده راهکارهای پیشگیرانه است.

فرضیه‌های فرعی

۱) آگاهی از مبانی نظری حقوق شهروندی از دیدگاه قرآن موجب گستردگی و تغییر نوع نگاه مسلمانان به حقوق حقه خود خواهد شد. به این ترتیب که با تأثیرپذیری از آموزه‌های قرآنی می‌توان جهت تحقق اصول و اهداف این حقوق تلاش نموده و آن را از متولیان جامعه اسلامی نیز مطالبه نمود.

۲) بر اساس آیه ۱۵۷ سوره اعراف تحقق حقوق شهروندی مستلزم شناخت آحاد مردم اجتماع از کلیه حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مدنی و سیاسی خود می‌باشد.

۳) همکاری با احاد مردم به صورت مشارکتی، نظرسنجی از آنان، اصل قرارداد اخلاق قرآنی و تعامل به عنوان یک ضرورت رفتاری از ویژگی‌های پلیس در پیشگیری اجتماعی جامعه مدار رشد مدار است.

بند دوم: اهداف

بررسی جایگاه پلیس در برقراری امنیت و چگونگی ایجاد آن به صورت پایدار برای بالابردن ضریب احساس امنیت در شهروندان

بند سوم: اهداف اختصاصی

نقش پلیس در پیشگیری از جرم با تاکید بر مشارکت مردم

بررسی جایگاه پیشگیری از وقوع جرم در اسلام

بند چهارم: سؤالات فرعی

۱) آگاهی از مبانی نظری حقوق شهروندی بر اساس آموزه‌های قرآنی چه آثاری را می‌تواند به دنبال داشته باشد؟

۲) تحقق حقوق شهروندی از دیدگاه قرآن مستلزم چه اموری است؟

۳) ویژگی‌های پلیس در پیشگیری از جرم چیست؟

بند پنجم: روش تحقیق

در این مقاله از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و در نتیجه‌گیری با استفاده از دست آورد تحقیق و تجربیات قضایی پیشنهادات راه بردی ارائه گردیده است و بما استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، گردآوری منابع از طریق کتب و مقالات فارسی و سایت‌های اینترنتی و موضوعات پرونده‌ای می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و ابزار گردآوری فیش و شبکه‌های کامپیوتری است و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استدلال منطقی است که پس از فیش برداری به طور منظم دسته بندی شده است.

بخش چهارم: بررسی حقوقی و تعریف پیشگیری

در فرهنگ معین، «پیش‌گیری (prevention) در لغت به معنای جلوگیری، دفع، منع سرایت مرض از پیش، تقدم به حفظ، صیانت، حفظ صحت، جلوگیری از وقوع بیماری» آمده است (معین، ۱۳۷۴، ص ۹۳۳). از دیدگاه ریشه‌شناسی، کلمه پیش‌گیری دارای دو معنی است: ۱- به معنی «پیش‌دست کردن، پیشی‌گرفت و به جلوی چیزی رفتن» و ۲- به معنی «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است. اما در جرم‌شناسی پیش‌گیرانه، پیش‌گیری در معن نخست آن مورد استفاده قرار گیرد، یعنی با استفاده از فنون مختل از وقوع بزهکاری جلوگیری کردن است و هدف از آن، به جلوی جرم رفتن و پیشی‌گرفتن از بزهکاری است. از نظر علی‌نیز، پیش‌گیری یک مفهوم منطقی-تجربی است که همزمان با تأملات عقلانی و مشاهدات تجربی ناشی می‌شود. «پیش‌گیری از جرم به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که برای جلوگیری از فعل و انفعال زیان‌آور و محتمل برای فرد یا گروه و یا هر دو به عمل می‌آید. مثل پی‌گیری از جرائم جوانان و پیش‌گیری از حوادث در جاده‌ها» (رجبی پور، ۱۳۸۲: ۱۵). شاید بتوان گفت که به تعداد صاحب‌نظران جرم‌شناسی، تعریف و طبقه‌بندی (تیپولوژی) از پیش‌گیری ارائه شده است.

در موضع پیشگیری از وقوع جرم، مروری بر تعاریف ارائه‌شده در خصوص جرم‌امی اجتناب‌ناپذیر است هر چند برخی از صاحب‌نظران علم‌جرم‌شناسی مانند راب وایت و فیونا معتقدند پاسخ صریحی در خصوص این که جرم چیست وجود ندارد. این دو نفر می‌گویند: تعریف جرم متناسب با دغدغه‌ای و جهان بینی افراد متفاوت است. برخی دیگر از جرم‌شناسان مثل ریچارد اشنايدر و تدکچین جرم را رویدای پیچیده دانسه و می‌گویند جرم زمانی اتفاق می‌افتد که چار عامل هم زمان با هم وجود داشته باشند: قانون، مجرم، هدف و مکان وقوع جرم؛ آن‌ها به نقل از فرهنگ انگلسی آکسورد جرم را این گونه تعریف می‌کنند: «علی‌دارای مجازات قانونی که به موجب قانون ممنوع بوده و برای رفاه عمومی مر باشد.» (ریچارد اشنايدر و تدکچین، ۱۹۸۹: ۱۰۹).

بخش پنجم: جایگاه پیشگیری از جرم در آموزه‌های اسلامی

یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های بشری، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، تربیت صحیح و تأدب به آداب نیک و پسندیده است که اهمیت والایی برای زندگی و پیشرفت و سعادت انسان دارد. اما متأسفانه از آنجا که بشر مطلقاً محسوسات و مادیات را قبل از امور معنوی می‌شناسد، به اهمیت و ارزش این مهم، کمتر توجه کرده و نقش و جایگاه آن را در زندگی به درستی مشخص نکرده است.

یکی از رسالت‌های دین و آموزه‌های دینی، توجه دادن انسان به جایگاه واقعی این امر در زندگی بشر است. آمیختگی اخلاق و مذهب به طور آشکارا در ادیان توحیدی؛ از جمله یهود، مسیحیت و اسلام قابل مشاهده است. این پیوند در اسلام تا بدان اندازه است که تزکیه و تهذیب روحی به کمال رسانیدن اخلاق به عنوان فلسفه بعثت پیامبر اکرم (ص) مطرح گردیده است. (ایرانی، ۱۳۸۴، ص ۶۹).

هر چند پیدایش عصر رنسانس و در پی واکنش به عملکرد نادرست کلیسا در قرون وسطا و آموزه‌های تحریف شده مسیحیت، گرایش مذهبی رو به ضعف نهاد و به تبع آن، اندیشه‌ی جدایی دین از اخلاق و به طور کلی از صحنه اجتماعی مطرح گردید، اما در آموزه‌های اصیل اسلامی، به هیچ وجه چنین امری محقق نگردیده است. به همین لحاظ، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی همچنان پیکره‌ی اصلی آموزه‌های دینی اسلامی را به خود اختصاص داده است و پرورش انسان اخلاقی، مهم‌ترین هدف این دین است.

به هر روی، حتی در جوامع غربی و با نا دیده انگاشتن تأکیدات و سفارشات دینی در مورد اخلاق، نیاز انسان به عمل کردن بر مبنای اخلاق فردی و اجتماعی ضرورت و اهمیت آن برای جامعه انسانی به هیچ وجه کمرنگ نخواهد شد؛ به عبارت دیگر، گذشته از مصالح آخرتی و معنوی اخلاق برای انسان‌ها، پیشرفت و سعادت دنیایی انسان نیز جز از طریق کسب فضایل و عمل کردن به ارزش‌های اخلاقی در سطح فرد و جامعه، محقق نخواهد شد. حضرت علی (ع) در ضمن کلام پر معنی خویش، پرده از این حقیقت اصیل می‌گشاید:

«لو کنا لانرجوا جنه و لا نخشی ناراً و لا ثواباً و لا عقاباً لکان ینبغی لنا ان نطلب مکارم الاخلاق فانها مما تدل علی سبیل النجاح» (نوری، ۱۴۰۸، ص ۱۹۳).

بر فرض که امیدی به بهشت و ثواب و بیمی از دوزخ و عقاب نداشته باشیم، باز شایسته آن بود که ما

در پی مکارم الاخلاق باشیم؛ زیرا خوشبختی و سعادت را این طریق می‌توان به دست آورد.

بر اساس این نگاه، سر چشمه بسیاری از نابهنجاری‌ها و انحرافات فردی و اجتماعی و وقوع جرائم و کجروی‌ها در فقدان حاکمیت اخلاق و ارزش‌های اخلاقی نهفته است. این امر اگر چه در بسیاری از نظریه‌های جرم شناسانه که در باب چرایی وقوع جرائم و انحرافات تاکنون ارائه شده‌اند، مورد غفلت قرار گرفته، اما شکست نظریه‌های مذکور در کنترل جرائم رویکرد دوباره به اهمیت این مقوله حیاتی را سبب شده است. در استناد و تحقیقات بین‌المللی از جمله در نهمین کنگره سازمان ملل متحد در خصوص پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان - که به جرائم خشونت آمیز اختصاص داشت و در قاهره تشکیل شد - به این نکته به روشنی تصریح شده است که بین جرم و وجود یا عدم وجود نابهنجاری‌های اخلاقی در سطح فردی یا اجتماعی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

چنان که ملاحظه شد، در حوزه مباحث انسان شناسی در خصوص ماهیت فطرت، سه نظریه‌ی متفاوت مبنایی در میان مکاتب وجود دارد که باعث به وجود آمدن نتایج مختلفی از جمله طرز تلقی از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی می‌گردد. بر این اساس، در ذیل به طور مختصر، به بررسی این نظریه‌ها می‌پردازیم و تعریف اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، شاخص آن، مکانیسم کسب اخلاق، عوامل تأثیر گذار در آن و... را در این نظریه‌ها بررسی می‌کنیم و در نهایت ضمن بحثی جداگانه، دیدگاه اسلام در این خصوص را نیز تبیین خواهیم کرد.

بخش ششم: مفهوم حقوق شهروندی

شهروند مرکب از دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی و «وند» به معنای افراد وابسته به این جامعه می‌باشند.

بنابراین، شهروندان به عنوان اعضاء رسمی شهر و اتباع کشور، حقوق و وظایفی دارند که ضامن حرمت و جایگاه ایشان است. هرچند حقوق و مسئولیت‌های شهروندان به طور کامل در قوانین پیش بینی نمی‌شود، اما مهم‌ترین آن‌ها در قوانین داخلی و حتی مقررات بین‌المللی احصا شده‌اند (گسن، ۱۳۷۰، ص ۸۵).

به هر حال، جامعه نیازمند مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، امور سیاسی و

حتی مسائل خانوادگی بر اساس آن سامان یابد.

حقوق شهروندی شامل حقوق و تکالیف مردم در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن می‌شود. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر را می‌توان به عنوان مهم‌ترین اصولی دانست که منشعب از حقوق اساسی کشور است. به نظر می‌رسد حقوق شهروندی در معنای اخص، تنها شامل جنبه مثبت اخیرالذکر باشد شهروندی از این منظر، مجموعه گسترده‌ای از حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی است. این حقوق و تکالیف، اگرچه فردی می‌باشند، اما برآیند آن‌ها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. همچنین است مشارکت‌های اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیت‌های داوطلبانه و دیگر فعالیت‌های اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه شهروندان مؤثر خواهد افتاد. در واقع این نگاه ضمن اشاره به حقوق شهروندی مدون و قانونی، در نگاه کلی تر به رفتارهای اجتماعی و اخلاقی می‌پردازد که اجتماع از شهروندان خود انتظار دارد (دیوید میلر، ۱۳۸۳، ص ۱۲۶).

حقوق شهروندی از جمله دستاوردهای مثبت بشری است که در بسیاری از موارد مورد تأیید دین مبین اسلام نیز می‌باشد. حقوقی از جمله حق حیات، حق آزادی بیان و انتقاد، حق تعیین سرنوشت، حق امنیت، حق برابری و عدم تبعیض و مانند آن، همگی مورد تأیید و تأکید اسلام هستند و حتی آیات صریحی نیز در خصوص آن‌ها وجود دارد من جمله آیات: ۸۴ سوره بقره، ۳۲ سوره مائده، ۴۶ سوره عنکبوت و...

بخش هفتم: تاریخچه حقوق شهروندی در اسلام

با مبعوث شدن خاتم النبیین حضرت محمد بن عبدالله (ص) در سرزمین حجاز، عادات و رسوم غلط و آداب منحوس عصر جاهلی جای خود را به تمدنی داد که از حیث جامعیت تعلیمات بی‌نظیر بود و اعراب بدوی را که حتی فاقد یک سیستم حکومتی واحد بودند به چهره فاتحان جهان تبدیل ساخت.

پیشینه حقوق شهروندی در اسلام به زمان هجرت پیامبر اکرم (ص) به یرش (مدینه النبی) بازمی‌گردد و اولین بارقه‌های تشکیل حکومت اسلامی از آن زمان پدیدار گشت. چراکه حقوق شهروندی زمانی موضوعیت دارد که هر دو رکن آن، یعنی حکومت و مردم، شکل گرفته باشد به دیگر سخن، ظرف

تحقق حقوق شهروندی تشکیل حکومت است (احمدزاده ۱۳۸۴، ص ۱۰۴).

رسول اکرم (ص) با الهام از آموزه‌های وحیانی، شاخصه‌های حقوق شهروندی را در میان شهروندان جامعه اسلامی به بهترین نحو ممکن به اجرا درآورد.

آموزه‌های قرآنی به عنوان با اهمیت ترین خاستگاه حقوق شهروندی با تأکید بر برابری و برادری همه افراد از هر نژاد و رنگ، هرگونه امتیاز بندی و تفاوت گذاری براساس ویژگی‌های مادی و ظاهری را مردود اعلام نموده (نساء: ۱) و تنها معیار برتری افراد بر یکدیگر را تقوای الهی معرفی می‌کند (حجرات: ۱۳). قرآن در خطابات خود تمامی مردم را مورد خطاب قرار می‌دهد (یا ایُّهَا النَّاسُ...) و ذکری از قبیله خاص، ملت یا نژادی به میان نمی‌آورد.

قرآن مردم را به اصل نخستین آن‌ها که همان آدم و حوا باشد متوجه می‌سازد تا به آن‌ها یادآور شود که همگی از یک پدر و مادر هستید اگر چه بعضی غنی و بعضی دیگر فقیر، بعضی زیبا، و بعضی دیگر زشت، جمعی عرب و جمعی دیگر عجم باشید این گونه اختلافات لازمه طبیعت و شرایط محیطی است و تنها برای شناسایی و برقراری نظم اجتماعی است نه دشمنی و تبعیض و اجحاف (قربانی ۱۳۸۳، ص ۱۴۹) اسلام همه افراد بشر را از نظر حقوق و تکالیف انسانی، یکسان می‌داند؛ زیرا همه آن‌ها در انسانیت با هم برابر و از جهت آفرینش با هم برادرند.

طبق آموزه‌های اسلامی اصل تساوی مجازات‌ها برای همه افراد اعم از مرد و زن، مسئول و غیرمسئول به طور یکسان اعمال می‌شد و حق اقامه دعوا در مقابل تخلفات مقامات حاکم برای همه مردم پیش‌بینی شده بود. وجود «دیوان مظالم» خود شاهدهی است بر این مدعا که مردم می‌توانستند از حاکمان و عمال آن‌ها شکایت کنند.

از مهم ترین آموزه‌های دین اسلام اهمیت حفظ و رعایت حقوق الناس است آنچنان که در این آموزه‌ها آمده حق الهی قابل بخشایش است و لیکن حق الناس تنها با رضایت فرد متضرر قابل بخشش و گذشت است. دین اسلام، بی‌عدالتی‌های آشکاری را که در حق زنان اعمال می‌شد از میان برد و اهتمام ویژه‌ای به حقوق زنان دارد. پیامبر (ص) بهشت را زیر پای مادران می‌دانست و در قرآن بر خوشرفتاری با زنان تأکید بسیار شده است (نساء/۱۹).

حقوق اقلیت‌ها همواره مورد احترام و توجه اسلام بوده و آنان نیز همچون مسلمانان عضو جامعه اسلامی محسوب می‌شدند. کشیشان، پیرمردان، فقرا و جوانان نابالغ از پرداخت جزیه معاف بودند، احترام به حقوق اهل کتاب و اقلیت‌های دینی از چنان جایگاه محکمی برخوردار بود که حتی سه دهه پس از رحلت رسول خدا، خوارج نهروان که خوگ متعلق به یک یهودی را کشته بودند غرامت آن را پرداختند (ایمانی سطوت، ۱۳۸۵، ص ۲۰۴).

بیان جهانی حقوق بشر مبانی حقوق در اسلام، اندیشه‌های انسان‌شناسانه و جهان‌بینی خاصی است که تا به آن‌ها توجه نشود، نه‌فلسفه احکام شناخته می‌شود و نه حدود اجتهاد معلوم می‌شود و نه‌شناخت و اجرای حکم میسر خواهد شد. اسلام تعالیم بسیار عمیقی در مورد رعایت حقوق انسان‌ها، حیوانات و حتی گیاهان و محیط‌زیست دارد. در اسلام بر روی حقّ الناس تأکید ویژه‌ای وجود دارد به طوری که برحقّ اهلل مقدم شمرده شده است. در روایات اسلامی آمده است ه خداوند از حق خود می‌گذرد اما از حقّ الناس هرگز. حتی در مورد غیر مسلمانان نیز اگر قصد فساد و عناد با اسلام نداشته باشند، اسلام اجازه تجاوز به حقوق آنان را نمی‌دهد. بنابراین باید دقت داشت که اسلام خود بزرگ‌ترین امی و واضح حقوق بشر است و مشکلی با این قضیه ندارد. اما نکته ایناست که در برخی بنهای اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواردی از قبیل آزادی زن و مرد در ازدواج حتی مسلمان با غیر مسلمان، تساوی مطلق زن و مرد در حقوق و ارث و دیات و... وجود دارد که در تضاد با برخی از احکام دین مبین اسلام است. پس آنچه که برای اسلام مهم است احیای حقوق بشر در پرتو حق است نه چیز دیگر. (بسته نگار، ۱۳۳۱، ص ۲۱-۴) اولین مدعی حقوق بشر، خداوند متعال اس داده است. (مصباح یزدی، ۱۳۳۳، ص ۱۳۷) فطرت، حقیقتی یکسا و همگانی در میان انسان‌هاست که آنها را به سوی کمال و حقیقت سوق می‌دهد و جامع حقیقت انسانی است. بر اساس نظریه فطرت، انسان دارای ادراکات و گرایشات فطری است. بر این اساس نمی‌توان انسان‌ها را ظروفي خالی تصور کرد چرا که فطرت ویژگی‌های عمده‌ای دارد که برای اثبات حقوق بشر و شهروندی ما را به هدف می‌رساند. در حقوق اسلامی برای دریافت قوانین الهی چهار مرجع صالحیت‌دار یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقی وجود دارد که مهم‌ترین خاستگاه حقوقی در اندیشه اسلامی همان قرآن کریم است زیرا تجدیدی را که بشریت در عرصه ارتباطات فرد اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی بدان نیازم هستند را به بهترین صورت برای جوامع بشی به ارمغان آورده است. لیکن اصطلاح حقوق شهروندی اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی ۱۴۳۴

فرانسه مطرح شد. این اعلامیه دارای یک مقدمه و سی ماده است که مقدمه آن متضمن سلسله مفاهیم و اندیشه‌های بنیادی است که در آن وحدت افراد بشر، کرامت انسانی، و شناسایی حقوق ناشی از آن را اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌دانند و ظهور جهانی را که در آن، افراد بشر در بیان عقیده آزاد، و از ترس و فقر رها باشند، بالاترین آمال بشری اعلام می‌نمایند. حقوق بشر یعنی آنکه جان و مال آدمی آزاد باشد و او بتواند با زبان قلم با دیگران سخن بگوید و حقوق بشر یعنی آنکه کسی را بدون حضور یک هیأت منصفه متشکل از افراد مستقل به مازات محکوم کرد، یعنی آنکه محکومیت کیفری ب حسب مقررات قانون صورت می‌پذیرد، یعنی آکه انسان بتواند با آرامش خاطر به هر دینی که خود برمی‌گزیند متدین شود. (بسته نگار، ۱۳۳۱: ۲۲) حقوق بشر در مراحل نخستین خود به تبیین جنبه‌های از زندگی فردی پرداخته بود که می‌بایستی از مداخله دولت‌ها در امان بماند اما در مرحله دوم کم‌کم این اندیشه مطرح شد که التزام دولت به عدم مداخله کافی نیست بلکه در مواردی دولت باید اقداماتی برای تحکیم حقوق و آزادی‌های فردی انجام دهد. به همین دلیل نظام بین‌المللی حقوق بشر با تعیین حدود آزادی‌های فردی، دول‌ها را به رعایت حریم آن آزادی‌ها موف کرده است. اصول قوق شهرداری در دوره رم باستان و یونان تا قرن هجدهم میلادی، به صورت مکتوب، مدون و جامع نبوده است. حقوق باستان به شدت فلسفی بوده است. از همین رو ارسطو بنیان‌گذار و نظریه‌پرداز حق مردمان سرزمین یونان است. در آن دوران شهروندان در مقابل بیگانگان و بردگان قرار می‌گرفته‌اند که از حقوق کامل برخوردار بوده‌اند؛ افکار آنان به شدت اشرافی زاده و طبقاتی بود که برابری در آن معنایی نداشت. در قرون وسی نیز، همراهی روحانیون مسیحی با حکام ظالم و فئودال‌ها، بدترین حق‌کشی‌ها رخ داد. آنان در دادگاه‌های خود کرامت انسانی را لگدمال می‌کردند. مفهوم حقوق شهروندی در تحولات اروپا و پس از قرون وسطی با اعلامیه جهانی حقوق بشر در فرانسه تغییر کرد. آزادی‌های مشروع در غرب بر اساس مکتب لیبرالیسم تعریف شده است. لذا مفهوم فلسفی آزادی با اصل حاکمیت اراده توجیه می‌شود. بر این مبنای، اروپائیان پس از گذراندن دوران فشارهای ناشی از حاکمیت کلیساهای فاسد و حکومت‌های ظالم، با تأکید بر حقوق طبیعی، بنیان حقوقی را نهادند که از گزند حکومت‌ها در امان بمانند. بر ای اساس انسان‌ها بر اساس لیاقت‌ها و فضائلی که دارند، از این حقوق بهره‌مند می‌شوند. اما علیرغم این مبنای طبیعی و غیرقابل سلب، این حقوق در قانون تعریف می‌شوند و از این طریق قابل اجرا و دارای ضمانت خواهند بود (مالجو، بی تا، ص ۲). دیدگاه دیگری که درباره حقوق در جامعه غربی وجود دارد این است که تشکیل حکومت‌ها

نیاز به توافق اعضای بالغ جامعه دار و حدود و اختیار ولت و مردم بر اساس این توافق تنظیم می‌شود. از آن رو مردم حقوق مطلق ندارند و نمی‌توانند حکومت مطلق نیز ایجاد کنند. زیرا حقوق بشر و اسناد مربوط به آن، با پذیرش دولت‌ها تحقق پیدا می‌کند و وجود حقوق فرای حقوق ملی و اراده دولت‌ها در این ه منتفی است (لطف آبادی، بی تا، ص ۳۷).

بخش هشتم: حقوق شهروندی بعد از محاکمه

با اتمام دادرسی و صدور حکم، از ادامه توجهات به حقوق شهروندی مستغنی نخواهیم بود و استمرار این توجهات لازم و ضروری می‌باشد چون ثمره یک دادرسی عادلانه برای شهروندان در مرحله بعد از محاکمه جلوه گر می‌شود. به‌عنوان مثال اینکه چگونه در صدد جبران خسارات شهروند باشیم تا حقوق او مورد لحاظ واقع شده و رضایتش جلب شود مربوط به این مرحله می‌باشد. با این وصف به بررسی حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی هر شهروند از رأی اصداری و جبران خسارات او که مربوط به حقوق وی بعد از محاکمه می‌شود می‌پردازیم.

۱- حق اعتراض و تجدیدنظر از رأی بدوی

استیناف یا تجدیدنظرخواهی یکی از حقوق مسلم بزه‌دیده و مرتکب جرم است. سیستم رسیدگی دو درجه‌ای یکی اصول مهمی است که ز لحاظ امنیت قضائی حقوق بشر ر آن تأکید دارد. در سیستم قضائی فعلی ایران اگرچه بر اساس صدر ماده ۲۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری آرای دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری قطعی است ولی نظام دو مرحله‌ای بودن دادگاه‌ها پذیرفته شده است و به موجب همان قانون بیشتر آراء قابل تجدیدنظرخواهی هستند.

مقنن در ملاحظه حقوق شهروندی یکی از اصول بنیادی-حمایتی را در قالب اصل پژوهش‌خواهی از آرا پذیرفته است و برای بزه‌دیده این حق را قائل است که به آرای صادرشده اعتراض کند. مهم‌ترین مواردی که در آن‌ها بزه‌دیده از حق پژوهش‌خواهی برخوردار است (امینی، ۱۳۷۲، ص ۸۶).

یکی از ابزارهای بنیادی در حمایت از شهروندان داشتن حق اعتراض به قرارهایی است که منجر به منع تعقیب یا موقوفی تعقیب متهم می‌شوند. در واقع با به رسمیت شناخته شدن این حق اعتراض، این فرصت برای ایشان ایجاد می‌شود که در مقام شاکی خصوصی از مراجع عالی درخواست رسیدگی

مجدد به پرونده را داشته باشد. بند ن ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۸۱ و تبصره‌ی ماده ۲۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری در این خصوص یک حق ویژه هم برای بزه‌دیده در بند ن ماده‌ی ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب که هرگاه به علت عدم کفایت دلیل فرار منع تعقیب متهم صادر شده باشد، بعد از کشف دلایل جدید فقط برای یک مرتبه می‌توان به درخواست دادستان متهم را تعقیب نمود.

مورد دیگری که در حمایت از بزه‌دیده بسیار اهمیت دارد، توجه مقنن به جایگاه بزه‌دیده در اعتراض به احکام برائت است. به موجب قانون، اعتراض به احکام صادره از سوی دادگاه مبنی بر برائت متهم از اتهام انتسابی حق بزه‌دیده است. این تدبیر در تبصره‌ی ماده‌ی ۲۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ گنجانده شده است.

در قانون آئین دادرسی کیفری سابقه بزه‌دیده در اعتراض به احکام به منزله مدعی خصوصی وارد دعوا می‌شد ولی در حال حاضر بزه‌دیده می‌تواند در مقام شاکی و مدعی خصوصی وارد دعوا شود.

مطابق قانون اطلاع قانون تشکیل دادگاه‌های ع عنوان بزه‌دیده جرائم در صلاحیت این محاکم محسوب می‌شود در حین رسیدگی بدو به چنینجرائمی به عنوان شاکی و مدعی خصوصی محسوب می‌شود. اما در مرحله پژوهش خواهی بند (ج) تبصره ۵ ماده ۲۰ قانون مذکور اعتراض خواهی بزه‌دیده را از حیث ضرر و زیان ناشی از جرم مطرح کرده و بزه‌دیده به منزله مدعی خصوصی وارد دعوا می‌شود. ظاهراً مقنن اعتراض خواهی شاکی خصوصی را نپذیرفته است.

لذا در این مورد که آیا بزه‌دیده در مورد آرای دادگاه کیفری استان از حیث دعوای کیفری می‌تواند در مقام شاکی خصوصی درخواست اعتراض کند، باید گفت؛ به موجب تبصره ۲۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۸۷ و ماده ۲۶ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۸۱ بزه‌دیده می‌تواند نسبت به آرای دادگاه کیفری استان از حیث دعوای کیفری به عنوان شاکی خصوصی درخواست تجدیدنظر خواهی نماید. البته بهتر بود که قانونگذار پذیرش شکایت شاکی خصوصی از آرای دادگاه کیفری استان را مورد تأکید قرار می‌داد و آن را در بند (ج) تبصره ۵ ماده ۲۰ قانون اخیرالذکر بیان می‌داشت.

بخش نهم: تأکید سوره عبس بر حقوق شهروند

از جمله آیاتی که به کرامت و شأن انسانی معلولان و به ویژه نابینایان توجه شده، سوره عبس است. برخی مفسرین این سوره را به نام اعمی (نابینا) نام گذاری کرده‌اند. و با این آیات شروع شده است:

عَبَسَ وَتَوَلَّى أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْكَّى أَوْ يَذْكَرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى أَمَا مِنْ اسْتَعْنَى فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى

این سوره در مکه نازل شده و گزارش ماجرای است که با ورود فرد نابینایی به جلسه‌ای که سران قریش و مشاهیر با حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تجمع کرده بودند، آغاز می‌شود. این فرد نابینا همان عبدالله بن ام مکتوم است و با ورود به مسجد با صدای بلند رسول خدا را صدا می‌زد و مکرر می‌گفته ای رسول خدا کهجایی از تو پرسش دارم؟ شخصی در جمع سران و مشاهیر شهر مکه از این رفتار ابن ام مکتوم ناراحت شده و چهره در هم کشیده و رو برمی‌گرداند. خداوند این گونه برخورد با یک نابینا را بر نمی‌تابد و در این سوره به شدت از چنین رفتارهایی بر حذر می‌دارد. خداوند فرد نابینا را با صفات عالی مدح کرده و او را پاک، منزّه، صالح، آگاه و بهره‌مند از مواعظ و دستورات اسلامی می‌داند. و در مقابل شخصی که رویش را از نابینا برگردانده و اظهار ناراحتی کرده به سختی توبیخ می‌کند. او را ثروتمند می‌نامد که در پی ریاست طلبی است و در پی پاک شدن از رذائل هم نیست. ولی این فرد نابینای تلاشگر با خشیت و ایمان و باور در تلاش است. سوره عبس گویای این است که حتی برخورد منفی در حدّ رو برگرداندن نسبت به یک معلول در فرهنگ قرآنی جایز و صحیح نیست زیرا معلولان مثل دیگر انسان‌ها حق دارند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسش نمایند و ایشان را صدا بزنند و دانش بیاموزند و معارف دینی را فرا بگیرند. و فردی که رویش را برگرداند و چهره درهم کشید، در واقع اعتراض داشت که چرا یک نابینا به مسجد آمده و به جمع سران قریش وارد شده و پیامبر را صدا می‌زند و می‌خواهد از پیامبر مسئله پرسد و علم بیاموزد؟ و خداوند با ارسال این آیات می‌خواهد بفهماند که نابینایان مثل افراد عادی چنین حق و حقوقی دارند یعنی آنان می‌توانند رهبران را صدا بزنند و با او گفت‌وگو داشته باشند. کسی هم نمی‌تواند نسبت به آنان حتی ترش‌رویی کند. توجه شود فرد ترش‌رو، حرف و سخنی خطاب به نابینا نگفت و دست روی او بلند نکرده بود؛ فقط اظهار ناراحتی کرده و روی خود را برگردانده بود. خداوند همین اندازه موضع‌گیری منفی را نسبت به معلولان قبول نمی‌کند. زیرا اینان را مثل دیگر مردم شهروندان قابل

احترام در جامعه اسلامی می‌داند (نوری، ۱۴۰۸، ص ۷۷).

بند اول: اخلاق اجتماعی

در آموزه‌های قرآنی، موارد بسیار هست که بر رعایت اخلاقیات تأکید کرده است. عملاً سلام کردن به معلولین را لازم می‌شمارد. اینگونه آموزه‌ها بیانگر این است که از نظر اسلام معلولان شهروندان با حقوق مشخص هستند. و اسلام درصدد تحکیم روابط آنان با دیگر آحاد جامعه از طریق رعایت اخلاقیات است. رسول خدا می‌فرماید: ترک السلام علی الضریر خیانه. یعنی سلام نکردن بر نابینا خیانت به او است. ضریر و مکفوف و اعمی مترادف و به معنای نابینا می‌باشند. خیانت یعنی عدم وفای به عهد، نقص پیمان، مکر و حيله است. سلام نکردن بر نابینایان شکستن پیوندها و عهدهای اجتماعی و تضعیف روابط اجتماعی است (ایمانی سطوت، ۱۳۸۵، ص ۸۵). نابینا بنا بر باورهای اسلامی به عنوان شهروند دارای حقوق و تعهدات است. از جمله تعهدات آن‌ها این است که در تحکیم روابط اجتماعی مؤثر و کوشا باشند. برخی نویسندگان و دانشمندان سلام کردن که در این روایت آمده را یکی از مصداق‌های روابط اجتماعی و اخلاق اجتماعی است و لازم است همه آن‌ها محترم شمرده شوند. استهزاء، مسخره کردن و تحقیر افراد فقیر و به شدت در اسلام طرد و نفی شده است. زیرا آثار تخریبی و مخرب فراوان دارد. کسانی که از نظر جسمی مشکلی یا از نظر عقلی کمبودی دارند و این‌ها را دست مایه مسخره کردن و استهزاء قرار داده‌اند، در روایات سخت توبیخ شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حتی اجازه نمی‌داد کلمه مجنون را جهت شوخی در مورد سی به کار ببرند. روزی ایشان میان جمعیت نشسته بود. کسی فت: مجنون آمد و رسول خدا گفت: انما المجنون المقیم علی المعصیه ولكن هذا رجل مصاب. یعنی هر آینه دیوانه کسی است که گناهکار است ولی این مرد درستکار است (نوری، ۱۴۰۸، ص ۱۷۵).

رسول خدا تأکیدی فرمود که به جای استفاده از کلمه اعمی از واژه بصیر استفاده کنید. نیز در روایت دیگر می‌فرماید: خداوند به هنگام داوری به چهره و بدن و اموال شما نگاه نمی‌کند بلکه به قلوب و اعمال شما نظر می‌افکند.

نیز در قرآن آیات مهمی در نهی از مخره کردن و تحقیر دیگران آمده است:

ای مؤمنان کسی را مسخره نکنید، شاید آن کس که مسخره کرده‌اید بهتر از شما باشد.

و لا تنازروا باللقاب. اشخاص را القاب‌های سوء صدا نزنید.

این توصیه‌ها و تأکیدها گویای این است که معلولان به عنوان عضوی از جامعه و داشتن حق و حقوق شهروندی، لازم است مردم با آن‌ها به روش صحیح تعامل و رفتار داشته باشند.

مسلمانان به اقتضای وظیفه انسان که دارند می‌توانند به بهانه اینکه در فلان شرایط هستیم و توانایی مساعدت به معلولان را نداریم، از زیر بار مسئولیت‌ها شانه خالی کنند. امام حسین علیه السلام در رژیم استبدادی معاویه و یزید می‌زیست و فشار مضاعف بر معلولان را روش امام عملاً نشان داد حتی در این گونه رژیم‌ها، مردم می‌توانند، به معلولان کمک‌کنند. مه این‌ها گویای این است که در نظر امام، معلولان انسان‌هایی هستند که باید زندگی مثل دیگر شهروندان داشته باشند و تبعیض بین معلول و عادی نباید وجود داشته باشد. (جمشیدیان، ۱۳۸۳، ص ۸۹) امام حسین علیه السلام در سال چهارم قمری در مدینه متولد و در سال شصت و یکم قمری در کربلا به شهادت رسید. در سال ۵۰ ق با شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام به امام صلی الله علیه و آله و سلم گذراند. پس از رحلت پیامبر در دوره خلفا به امور فرهنگی و آموزش مشغول شد و در دوره خلافت پدرش، حضوری فعال اجتماع داشت. در جنگ جمل فرماندهی جناح چپ سپاه امام علی علیه السلام بر عهده وی بود. در جنگ صفین به امور تبلیغی و تشویق سپاه و روحیه دادن به آن‌ها اهتمام داشت. در جریان حکمیت به عنوان یکی از شهود از طرف حضرت علی علیه السلام حضور داشت. پس از شهادت امام علی علیه السلام، ده سال در کنار برادرش، حضور اجتماعی داشت تا اینکه خودش به امامت رسید. چنین فردی که از خردسالی در کوران حوادث بزرگ شده و در متن رخدادها تجربه دیده، قطعاً شناخت دقیقی از جامعه دارد، گروه‌ها و جریان‌ها را به خوبی می‌شناسد، عوامل و علل حوادث اجتماعی را می‌داند.

اکنون با تجزیه و تحلیل یکی از سخنرانی‌های امام علی علیه السلام می‌خواهیم ببینیم چه دیدگاهی درباره جامعه معلولان و مشکلات و تحولات و تطورات این جامعه و وضعیت شهروندی آنان داشته است. سخنرانی برای نخبگان: خطبه‌ای از امام حسین علیه السلام در چند منبع معتبر وارد شده و جملاتی از آن ویژه معلولان است هر چند کل آن هم مرتبط به شرایط و وضعیت این قشر می‌باشد. متنی که در تحف العقول و بحار الانوار و کتاب سلیم بن قیس هلالی آمده به نظر بسیار یک سخنرانی

بوده که قسمت اولش در کتاب سلیم و قسمت دوم و سوم آن در کتاب تحف العقول آمده و این‌ها در اصل سخنرانی بوده که حضرت در سال ۵۸ ق در منا برای نخبگان جامعه و فرهیختگان بنی هاشم بیان کرده است. یعنی دو سال قبل از فوت معاویه پسر ابوسفیان این سخنرانی را اجرا کرده و به مشکلات جامعه و بدبختی‌های مسلمانان و مفساد بنی امیه و معاویه پرداخته است. در چنین جامعه ظلم زده بیش از همه معلولین و آسیب دیدگان جامعه در معرض خطر هستند و حضرت این خطرات را متذکر شده است.

نتیجه گیری

مهم‌ترین خاستگاه حقوقی در اندیشه اسلامی قرآن کریم است که «تبیان کلّ شی» است و تجدد را که بشریت در عرصه ارتباطات فردی، اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی بدان نیازمند است، به بهترین صورت برای جوامع بشری به ارمغان آورده که سیره نبوی (ص امت وسط و الگو آن حاکمیت انسا بر سرنوشت خویش براساس بندگی خدا و قانون‌گذاری حق شکل گرفت. با توجه به اهداف هر حکومتی، می‌توان به حقوق مردم از دیدگاه آن حکومت پی‌برد. نخستین هدف در حکومت اسلامی در زمینه فرهنگ و ایدئولوژی مردم است، زیرا پاسخگویی به نیازهای فکری و اعتقادی مردم آن زمان و چه بسا بشریت، از مهم‌ترین اهداف رسالت پیامبر اکرم (ص) بوده است.

خداوند در آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ پیامبری که بار سنگین را از دوش مردم بر می‌دارد و بندها و زنجیرها را از آنان باز می‌کند»، بدیهی است منظور از بارهای سنگین، آداب و رسوم جاهلی و نیز غل و زنجیرهای فکری و روحی است، که بر نیروها و استعدادهای معنوی بشر سایه افکنده. نخستین حق هر شهروند و هر انسانی ایجادمینه‌های رشد اوست. پس از آن باید محیط اجتماع فرصت رشد، توسعه و کمال را به افراد بدهد. بنابراین برقراری عدالت و اقامه قسط در جامعه وظیفه هر حاکم و حق هر شهروند است، چراکه قسط و عدل مطلوب هر انسان است، و در جای جای تعالیم اسلامی به آن امر شده است، حتی‌الغیر به ضرر شخصی باشد. از دیگر حقوق شهروندان تأمین امنیت ایشان در زمینه‌های مختلف مالی، جانی، کاری، حقوقی و شخصیتی است، در آیات متعدد قرآن کریم از ظلم و تعدی به هر صورتی که باشد نهی شده است. اسلام این حق را نه تنها برای شهروندان حکومت اسلامی بلکه برای همه موجودات و انسان‌های دیگر نیز

محترم شمرده است. در چنین محیط امن و آرامی است که انسان می‌تواند به رشد و کمال خود بیندیشد. توجه به منزلت و کرامت همه انسان‌ها یکی دیگر از مهم‌ترین تعالیم دینی است، همانگونه که خداوند در آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات اشاره دارد، آنچه موجب برتری کسی بر دیگری می‌گردد، تنها تقوا است، یعنی چگونگی عمل و رفتار است که مبدی کسب فضیلتی افزون بر دیگری می‌شود، نه مظاهر دیگر آفرینش از قبیل رنگ پوست، جنسیت، نژاد و... بنابراین همه انسان‌ها از حقوق مساوی برخوردار هستند. از دیگر حقوق شهروندان در یک حکومت اسلامی، زندگی در محیطی سرشار از صلح و صفاست. به همین دلیل در آیاتی مانند آیه ۱ سوره مبارکه انفال و آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء و آیاتی دیگر به دوستی بین افراد اجتماع سفارش شده است، تا جایی که خداوند در آیه ۱۰ سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَعْيُنِكُمْ؛ در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید»، بنابراین نه تنها مؤمنان برادر یکدیگر شمرده شده‌اند، بلکه ایجاد صلح و آشتی هم از وظایف همه شهروندان است. از دیگر عوامل ایجاد محیط سالم و امن در اجتماع، امانتداری است؛ چنانچه خداوند در آیه ۵۷ سوره مبارکه نساء به همه فرمان می‌دهد که امانتدار باشند و امانت‌ها را به صاحبان آن برسانند. البته امانتداری جنبه‌های مختلفی دارد که همه مورد توجه هستند. امانتداری در اموال، آبرو، سخنان و... حتی در مورد اهل کتاب «مَنْ أَوْفَى بَعْدَهُ وَ اتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» خطاب آیه شریف عام است و وفای به عهد در مورد همگان را شامل می‌شود.

اسلام بر حق زیستن در محیط انسانی تأکید دارد، آن‌را از حقوق معنوی شهروندان می‌داند. قرآن کریم در این مورد در آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده می‌فرماید: «إِنَّمَا جِزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ؛ کیفر آنان که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، کشتن ایشان است بوسیله اعدام یا به دار آویختن و یا قطع دست راست و پای چپ آنهاست یا به عکس یا تبعید آنان است» و در جای دیگر فتنه‌انگیزی در اجتماع بزرگ‌تر از قتل و خونریزی شمرده شده است؛ گاهی رهایی از توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی تنها با جهاد امکان‌پذیر است. در این صورت چنین جهادی مقدس و مورد امر قرآن کریم است به طوری که در آیه ۷۷ سوره مبارکه حج می‌فرماید: «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادٍ».

از دیگر حقوق شهروندان در حکومت اسلامی برخوردار از رفاه و آسایش ما خود به کسب و کار

پردازند. قرآن کریم به مالکیت: «لقد مکناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معایش؛ ما تسلط و مالکیت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم.» اگر کسی در جامعه اسلامی به گونه‌ای به اکتساب پردازد که تجاوز به حقوق دیگر شهروندان به حساب آید، حکومت اسلامی با او برخورد می‌کند. مثلاً قرآن کریم در مورد ربا در آیه ۱۳۰ سوره مبارکه آل عمران مؤمنان را از رباخوار باز می‌دارد. بنابراین، انتخاب شغل و کسب درآمد از مواهب و آزادی‌هایی است که اسلام برای هر یک از شهروندان قائل است، مگر آن که موجب ضرر به فرد یا اجتماع گردد. کمک به اقشار محروم هم از حقوق شهروندان ضعیف شمرده شده است و حکومت و افراد جامعه اسلامی در قبال آن مسئولیت دارند. قرآن کریم در این مورد آیات بسیار دارد، که آیات خمس، نفقات و زکات از این قبیل است.



منابع و مأخذ

- احمدزاده، سیدمصطفی. (۱۳۸۴) «حقوق شهروندی»، مجله اندیشه، سال یازدهم، شماره ششم.
- امینی، ابراهیم، «اسلام و تعلیم و تربیت»، چاپ اول، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲.
- ایرانی، جواد، «اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن. حدیث»، چاپ اول، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴.
- ایمانی سطوت، علی. (۱۳۸۵) «حقوق شهروندی در حکومت نبوی»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۴۲.
- جمشیدیان، مجید. (۱۳۸۳) در مسیر آشنایی با شهر و شهروندی، تهران: سازمان فرهنگی و هنری.
- جوادی آملی، عبدالله، «شریعت در آینه معرفت»، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء ۱۳۷۷.
- حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۳۸۳ ق) وسایل الشیعه، مکتبه الاسلامیه.
- حقیقت، سید صادق و سیدعلی میرموسوی. (۱۳۸۱) مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.
- درویشی، فرهاد. (۱۳۸۹) «ابعاد امنیت در اندیشه و آرای امام خمینی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۳.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. (۱۳۶۸) درآمدی بر حقوق اسلامی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- دیوید میلر، ۱۳۸۳، حقوق بشر و شهروندی مقید به مرز، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۳.
- رجبی پور، محمود، در آمدی بر احساس امنیت عینی، فصلنامه‌ی دانش انتظامی، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۸۲.
- ریچارد اشنایدر و تد کچین، برنامه ریزی برای پیشگیری از وقوع جرم، ترجمه فروزان سجودی.
- ریمون آرون، ((مراحل اساسی سیر اندیشه‌ها در جامعه شناسی))، ترجمه باقر پرهام، چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی، ۱۳۷۷.
- قربانی، زین العابدین. (۱۳۸۳) اسلام و حقوق بشر، تهران: نشر سایه، چاپ اول.
- کلینی (شیخ کلینی)، محمد بن یعقوب، «الکافی»، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ه. ش.

- کی نیا، مهد، (۱۳۶۹). مبانی جرم شناسی، تهران، دانشگاه تهران.
- گسن، ریموند(۱۳۷۰). جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- نجفی توانا، علی(۱۳۸۲). ناپهنجاری و بزهدکاری اطفال از منظر جرم شناسی، تهران، راه تربیت.
- نوابخش، مهرداد، (۱۳۸۵) «بررسی مفهوم شهر و شهروند از دیدگاه جامعه شناسی»، مجله جامعه شناسی، شماره ۵.
- نیاز پور، امیر حسین، (۱۳۸۲). پیشگیری از بزهدکاری در قانون اساسی و لایحه پیشگیری از وقوع جرم؛ مجله حقوقی دادگستری شماره ۴۵.
- نیازپور، امیرحسن، (۱۳۸۷). بزهدکاری به عادت، از علت شناسی تا پیشگیری، تهران، فکرسازان..

